

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

حشمت الله آروین

کرسی نشینان جنایت می آفرینند « قسمت چهارم »

جلالت‌مآباً محترم سرمنشی سازمان ملل متحد و سازمان دفاع از حقوق بشر!

قبل از اینکه به قسمت چهارم کرسی نشینان جنایت می آفرینند، بپردازم، خواستم توجه شما خوانندگان ارجمند را به ورود پرشور و شغف آقای اوباما بحیث چهل و چهارمین رئیس جمهور آمریکا به قصر سفید که ممکن در تاریخ آن کشور بی سابقه باشد، اندیشه و پالیسی سیاسی وی را در روند مبارزه با تروریسم که چگونه در حال حاضر میتواند از گسترش و توسعه حملات روز افزون تروریستان به وسیله ای طراحانی که چهره های اصلی آنها در ماوراء سیاست و پرده ابهام پنهان است، از تقابل و زدوبند های سیاسی آنها، که به قول معروف، دزد را میگویند دزدی کن، صاحب خانه را میگویند هوشیار باش، جلوگیری خواهد کرد، معطوف بدارم.

بنا به اساس همین استدلال به عرض میرسانم. تروریستان دهشت افکن بین المللی باز هم با نمایش توازن بالقوه در ازاء ناتو و جامعه جهانی، صف آرائی حملات تروریستی سازمان داده شده شان را شبیه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به روز چهارشنبه تاریخ ۲۶ نوامبر سال ۲۰۰۸ درده محله بمبی هندوستان به خصوص در هتل تاج محل انجام دادند، بعید از حمایت و پشتیبانی پاکستان و حامیان آنها نخواهد بود.

ناشی از این حملات نوجوان مردانه و غیر انسانی بیش از ۱۷۵ کشته و ۳۰۰ زخمی به جا گذاشت. همچنان حمله انتحاری به روز شنبه مورخ ۱۷.۱.۰۹ در مقابل سفارت آلمان که از اثر آن چهار سرباز آمریکائی کشته و دوازده تن آنها زخم برداشتند. ناشی از عدم صداقت و ایمانداری دولت مردان کرسی نشین در روند مبارزه با تروریسم است. جالب آن است، که بعد از حملات تروریستان سازمان ملل متحد و جامعه جهانی به عوض آنکه برای قلع و قمع تروریستان راه های اساسی را جستجو کنند، در هربار مکرراً و پیوسته اعمال آنها را صرفاً با تقبیح کردن، بسنده تلقی میکنند، و بس. اما به عقیده بنده چنین یک ستراتیژی نامیمون در جهت محکوم کردن تروریستان راه درست و منطقی نیست. بلکه باخوشتنداری یک سیاست دوگانه و انعطاف پذیری بس خطرناکی است، که دایماً در ازاء آن از طرف سازمان ملل متحد و جامعه جهانی صورت میگیرد، و میخواهند اعمال تروریستان دهشت افکن را صرفاً با محکوم کردن بسنده تلقی کنند. اما آنچه که باید زودتر به حیات آنها خاتمه داده شود صورت نمیگیرد. ممکن برخی از تحلیل گران سیاسی و حتی مقامات هندوستان معتقد و به این باور باشند که در عقب حمله تروریستی بمبی دست حکومت پاکستان و آی. اس. آی مستقیماً شامل بوده باشد. اما به باور بنده آن حکومت پاکستان دیروز، اکنون در جو و شرایط مناسب سیاسی و امن قرار ندارد. چطور امکان دارد که بتواند بدون حمایت و پشتیبانی کشورهای خارج قادر به اجرای چنین جسارت شود، که محور سیاست و حملات تروریستی را مستقیماً با دست باز، بدون توجه به وضعیت ناهنجار سیاسی و شعله های آتش جنگ که دامنگیر آن کشور شده به عهده بگیرد و با آتش بازی کند؟ حکومت پاکستان امروزی به خوبی استدلال و درک نموده است، که زمان و شرایط بدون حمایت حامی به مراد آن نیست. زیرا آن کشور اکنون از هر جهت در یک موقعیت خطرناک سیاسی و نظامی در لبه پرتگاه و در محاصره جامعه جهانی و دشمنان دیرینه خود قرار گرفته، که هر حرکت مذبحخانه و خودسرانه منجر به تجزیه و فروپاشی آن کشور شده میتواند.

البته این امکان باز هم رابطه به تعقل و استدلال سیاست مداران بین المللی میگیرد، که چگونه میخواهند منافع و ستراتیژی سیاسی شانرا در آسیای میانه حفظ و مورد ارزیابی قرار دهند. اما قبل از همه باید به عرض برسانم، آمریکا و جامعه جهانی متوجه به این موضوع شده باشند، که مردم و ملت شجاع و قهرمان افغانستان در هیچ زمان و عصر

تاریخ اشغال کشورشان را به وسیله متجاوزین استعمارگر نپذیرفتند، و برای آزادی و استقلالیت کشورشان جسورانه رزمیده و باز هم می رزمند. اینکه دیروز، و امروز شاه شجاع ها و طالبان مزدورقلابی و فروخته شده به نام های مختلف دفاع از اسلام و دفاع از دموکراسی وارد صحنه سیاسی با حمایت و پشتیبانی سردمداران استعمار بنا به منظوراهداف و منافع اقتصادی و سیاسی به حیطة قدرت رسانیده شدند. نمایندگی از اراده اکثریت ملت قهرمان افغانستان کرده نمیتوانند، که به خود صیغه قانونی ببخشند. قابل کتمان نیست که مهندسان سیاسی به منظور شکست کمونیزم و دسترسی به ذخایر نفت و گاز آسیای میانه در سال ۱۹۴۷ حکومت فندامینتالیست اسلام گرای نام نهاد پاکستان را از بدنه هند جدا و به آن آزادی مستعمره بودن بخشیدند. به اساس همین ملحوظات بود، که استعمار کهنه با پایه گذاری و ایجاد مدارس دینی در داخل خاک پاکستان مبادرت ورزید، و مداخلات مذبحخانه را با استفاده از وجود اجیران زر خرید به نام ملا و طالب که شعور سیاسی و احساس انسانی و اسلامی آن در مقابل دالروکلدار نابود و کور شد، در های بسته را باز کردند. تشدید بحران تروریستی و نگرانی های نا امن آن که صلح و ثبات را هر روز در منطقه و جهان مواجه به خطر میسازد. از عوامل اساسی امریکا و قوای ناتو است که نمیخواهند تا قبل از حملات طالبان حمله و تعرض جنگ را برای نابودی طالبان تشدید و سرعت عمل را بخرج دهند. زیرا تا دوام جنگ و مبارزه با پدیده شوم تروریسم با وجود اختلافات روی منافع سیاسی و اقتصادی بین امریکا و برخی از کشورهای اروپائی به خصوص انگلیس که از حامیان پاکستان به حساب میرود، دست آورد های خوب اقتصادی و سیاسی را برای آنها در قبال دارد. پیامد و اثرات ناگوار آن پاکستان و افغانستان را دچار معضله، بحران و فساد ساخته است. جای مسرت است که امروز سازمان اتلانتیک شمالی یا ناتو تازه و دیر متوجه به واقعیت های عینی در داخل افغانستان شد، که بحران هرگونه فساد در دستگاه حکومت و دولت کرزی بدتر و خطرناکتر از شبه نظامیان طالبان است که در طی هشت سال در این کشور رو به افزایش میباشد. به روز یکشنبه مورخ ۱۸ جدی به انتقاد از دولت افغانستان تاکید و مقامات فعلی کابل را تقریباً به اندازه شبه نظامیان طالبان عامل مشکلات افغانستان قلمداد کرد. به گزارش سرویس بین المللی آفتاب «پاپ دوهوپ شیف» دبیرکل سازمان ناتو با اعلام این مطلب ضمن خود داری از اشاره به نام حامد کرزی تاکید کرد که فساد و ناکارآمدی در حل مشکلات گریبان گیر دولت افغانستان شده است. وی افزود مشکل اساسی در افغانستان زیاد مربوط به طالبان نیست، بلکه علت، حاکمیت نه چندان خوب در این کشور است. همچنان خانم هیلاری کلنتون وزیر خارجه جدید امریکا، کشور افغانستان را دولت مواد مخدر فاسد و ناکارآمد نام گذاشت.

آقای کرزی و سخن گوی وزارت خارجه دولت آن آقای سلطان احمد بهین در مقابله چنین موضع گیری های ناتو و هیلاری کلنتون سکوت نکرده از خود نیز واکنش تند و سریع نشان داده بالمقابل منابع کمک کننده را در افغانستان ملو از فساد و سبب مشکلات در این کشور خوانده و مورد انتقاد قرار دادند.

بنا به تاسی از این دعوا و ادعا های طرفین که هر دو طرف یکدیگر را به منظور منافع خویش که باعث فساد، ویرانی و کشتار انسانهای بیگانه در افغانستان و جامعه جهانی شدند، به شدت محکوم میکنند. بناء از سازمان حقوق بشرو سازمان ملل متحد مسرانه تقاضا به عمل میآید که برای تصریح ادعا های طرفین که یکدیگر را محکوم به فساد و بی کفایتی قلمداد مینمایند رسیدگی و ایجاب یک محاکمه بین المللی را میکند تا به قضایا رسیدگی همه جانبه شود. عاملین جنایت و فساد را به اشد مجازات محکوم و با ادامه کار آنها خاتمه دهند.

آیا آقای بارک اوباما آنچه را وعده داده است. میتواند قاطعانه از همینجا با تروریسم و فساد که سازمان اتلانتیک شمالی یا ناتو و هم آقای کرزی و دولت آن تشنه رسوائی یکدیگر را از آب بیرون آوردند، مبارزه و عمل کند؟ آیا پاسخ منابع کمک کنند به افغانستان به سخنان آقای کرزی که آنها را در اجلاس سال چهارم شورای ملی آلوده به فساد قلمداد نمود، چیست؟

آیا طرفین حاضر و آماده به دفع اتهامات وارده و خواستار اعاده حیثیت در یکی از محاکمات بین المللی میشوند؟ یاخیر؟

اگر سکوت و خاموشی از دو جانب به قضایا صورت بگیرد دلالت به چه خواهد گرد؟ این موضوع و مسأله نباید از دید و نظر متخصصین سازمان ملل متحد و سازمان دفاع از حقوق بشردور بماند. روی آن غورو تعمق و مساعی جمیله صورت بگیرد. زیرا ملت مظلوم افغانستان به اثر این بی کفایتی های دوکتورین فساد تلفات فراوان جانی و مالی را متقبل شدند و دیگر تکرار و تحمل آن برای ملت درد دیده افغانسان غیر قابل قبول خواهد بود.

پاسخ به این سوالات بعد از طی چند ماه از اجراءات کار بارک اوباما معلوم خواهد شد. امریکا قبل از تجاوز شوروی سابق به افغانستان تا مداخله آن دارای قوت های سیاسی، اقتصادی و استحکامات نظامی در جهان بود. مگر اکنون گروه های دهشت افکن آنرا در آراء خود مشت و خمیر، و آنها را با عذر و نیاز که صلح میخواهند مجبور کرد "مضحک است" متعاقباً سیاست دوگانه و متضاد انگلیس ها در روند مبارزه با تروریسم نسبت به سایر کشورها در ولایت هلمند موجب تقویت حملات تروریستان و احیا مجدد آنها در آن ولایت شد. اگر اوضاع و بهتری به منظور مدلل ساختن، از کلمات لفافه و گنگ بگذرم اینطور خدمت شما خوانندگان ارجمند به عرض میرسانم. به قول معروف "آب در کوزه و من نشنه لبان میگردم - یار در خانه و من گرد جهان میگردم"

همینطور لانه تروریستان دهشت افکن در داخل خاک حکومت پاکستان که از پشتیبانی و حمایت آنکشور برخوردار است مستقر میباشد نه در داخل خاک افغانستان. چرا سازمان ملل متحد و امریکا با یک توافق همگانی قوای ناتو را در داخل خاک پاکستان وارد و مستقر نمیسازند؟ . اما ناتو امریکا و جامعه جهانی تروریستان را در داخل افغانستان تعقیب و جستجو میکنند. بلی جای شک و کتمان نیست که برخی از کرسی نشینان افغانستان نیز از اعضای همین باند طالبان و گلبدین می باشند. فساد اداری و اختلاس، کشت مواد مخدر و قاچاق آن، تجاوز جنسی بالای خانم ها و اطفال معصوم و به ده هاهزار جنایت دیگر، با استفاده از فرصت بحران به وسیله آنها صورت میگیرد. این گروه های متجانس به دو دسته تقسیم میباشند . گروه اول مسلح . گروه دومی غیر مسلح . گروه غیرمسلح کرسی نشینان دولت هستند ، که مخفیانه فعالیت های تخریبی و تداوم بحران و نا امنی را به منظور منافع خویش هدایت و سازمان دهی میکنند و چهره های آنها در پرده ابهام پوشیده و پنهان میباشد .

قسمت های بعدی کرسی نشینان جنایت می آفرینند بعداً حضور شما تقدیم خواهد شد.